

تحریم اقتصادی و حقوق بین الملل عمومی

بدنبال اشغال سفارت ایالات متحده آمریکا در ایران و به گروگان گرفته شدن برخی از اعضای هیئت دیپلماتیک این کشور و همچنین ورود و استقرار نیروهای اتحاد جماهیر شوروی به افغانستان بار دیگر مسئله صلاحیت یکپارک اعضای جامعه بین الملل در تنبیه و مجازات دولت‌هایی که مبادرت به نقض حقوق بین المللی نموده اند مطرح شد. دو نظریه متضاد در رابطه با این موضوع تاکنون عرضه شده است. نظریه ای مبتنی بر حاکمیت دولت‌ها و دیگری نظریه مبتنی بر گسترش همکاریهای بین المللی.

طبق نظریه اول که مبتنی بر حاکمیت دولت‌ها و ضعف تشکیلاتی و سازمانی جامعه بین المللی می باشد در مواردی که منافع دولتی بعلت نقض حقوق بین المللی به مخاطره افتد این دولت از حداکثر امکانات برای رویارویی با آن و توسل به اقدامات مقتضی برخوردار می باشد. تردیدی نیست که با پیشرفت و توسعه حقوق بین الملل عمومی در سالهای بعد از جنگ بین المللی دوم و تعهدات ناشی از آن برای دولت‌ها در زمینه حل و فصل اختلافات بین المللی، دولت‌ها موظف اند که از توسل به قوه قهریه خودداری کنند مگر به منظور دفاع مشروع با وجود این ممنوعیت بدین معنی نیست که در همه موارد دولت‌های درگیر اختلافاتشان را با توسل به طرق حقوقی و یا طرق سیاسی حل و فصل خواهند نمود زیرا شرط لازم انتخاب هر یک از این دو طریق توافق صریح طرفین درگیر می باشد که با در نظر گرفتن وضع بحرانی حاکم حصول بدان ممکن است احتمالاً " میسر نباشد. در چنین شرایط طبیعتاً" دولتی که از نقض حقوق بین الملل متضرر شده است برای تضمین منافع خود خواهد توانست دولتی را که مسئول می داند تحت فشارهای اقتصادی قرار دهد و احتمالاً " مبادرت به قطع کل و یا قسمتی از مبادلات خود با این کشور نماید. بدین ترتیب و به موجب این نظر اقدامات و تصمیمات اخیر ایالات متحده آمریکا و برخی از دولت‌های پیشرفته صنعتی منجمله اعضای جامعه اقتصادی اروپا در جهت تحریم اقتصادی ایران و اتحاد جماهیر شوروی بدنبال فعالیت نافرجام سازمان ملل متحد ز لحاظ حقوقی قابل توجیه است. و معایر حقوق بین الملل نیست (۱).

در رابطه‌ها مسئله تحریم اقتصادی طبق نظریه دیگر که بدنبال قطع صادرات نفت توسط بعضی از کشورهای عربی در سال ۱۹۷۳ عرضه شده صلاحیت دولت‌ها در این زمینه نفی شده است. طبق این نظریه، تحولات اخیر جامعه بین‌المللی در جهت محدودیت بیش از بیش حاکمیت دولت‌ها است (۲). باید در نظر داشت که یکی از ویژگی‌های این جامعه در سال‌های اخیر بسط و گسترش بی‌سابقه روابط و همکاری‌های بین‌المللی در کلیه سطوح بخصوص در زمینه‌های اقتصادی است. این تحول برداشته‌اشی از وابستگی‌های روزافزون ملل به محصولات و کالاهای یکدیگر است. در حال حاضر، اهمیت و تحکیم و گسترش مبادلات بین‌المللی مورد تأیید همگان قرار گرفته، بقسمی که بدین منظور در زمینه حقوقی بررسی‌های وسیعی برانگیخته که در شرف تکمیل است. دولت‌ها می‌کشند که از راه توسعه حقوق بین‌الملل عمومی به چنین اهدافی دست یابند. (قسمت اول). نظارت حقوق بین‌الملل بر روابط و مبادلات تجاری طبیعتاً "از آزادی عمل دولت‌ها می‌کاهد و آنها را موظف می‌کند که به منظور تضمین این روابط محدودیت‌هایی در زمینه تعلیق و قطع دادوستد و تجارت بین‌المللی بپذیرند (قسمت دوم).

قسمت اول

تحکیم و گسترش دادوستد بین المللی و حقوق بین الملل :

با افزایش وابستگی دولت‌ها در زمینه اقتصادی تحکیم و گسترش دادوستد بین المللی نه تنها ضرورتی اقتصادی است (۱) ، بلکه اهمیت آن در زمینه سیاسی نیز مورد تردید نمی باشد و در حال حاضر بعنوان یکی از اهداف حقوق بین الملل پذیرفته شده است (۲) .

۱- دادوستد بین المللی ضرورتی اقتصادی :

با در نظر گرفتن این واقعیت که در دنیای کنونی هیچیک از ملت‌ها نمی‌توانند به مرحله خودکفائی در زمینه اقتصادی دست یابند و وابستگی آنها به یکدیگر اجتناب ناپذیر است و روابط تجاری بین الدول بمنزله یکی از ضرورت های جامعه بین المللی مورد قبول می باشد . برای اولین بار در چهارچوب منشورهاوانا که بتصویب دولت‌های شرکت کننده در " کنفرانس تجارت سازمان ملل " مورخ ۱۹۴۷ رسید اصولی منجمله تقلیل تعرفه های گمرکی به منظور گسترش هرچه بیشتر مبادلات و تجارت بین المللی بعنوان رهنمودهای آتی در این زمینه توصیه شده (۳) . در پی تصویب منشور و براساس آن ، مذاکراتی درجهت تقلیل موانع موجود در زمینه مبادلات بین کشورها انجام گرفت که همگی حاکی از توجه خاص دولت‌ها به تجارت بین المللی و ضرورت تضمین آن می باشد (۴) . تردیدی نیست که این اقدامات در تحلیل آخر حافظ منافع کشورهای پیشرفته صنعتی بوده و عملاً " منجر به گسترش روابط تجاری و اقتصاد این کشورها شده است (۵) . بهمین علت بدنبال استقلال سرزمین های غیر خودمختار و ورود آنها به صحنه بین المللی . فعالیت های گسترده ای به منظور تجدید نظر در نظام تجارت بین المللی و تأمین منافع کشورهای در حال توسعه آغاز شد . این کشورها بر این عقیده اند که یکی از مهمترین عوامل توسعه اقتصادی دادوستد بین المللی است که بیش از کمک هائی که در برنامه های مختلف به نفع آنها منظور شده در رویارویی با فقر اقتصادی مثرتر خواهد بود (۶) . بعبارت دیگر هدف و انگیزه دادوستد بین المللی صرفاً " برطرف کردن احتیاجات طرفین در زمینه تجاری نمی باشد ، بلکه بایستی در مواردی که یکی از طرفین کشوری در حال توسعه است از آن همچون حربه ای درجهت توسعه اقتصادی اش استفاده نمود . تردیدی نیست که مبادلات تجاری در صورتی خواهند توانست نقش خود را

بخوبی ایفا نمایند که نظام تجاری حاکم نابرابری‌های اقتصادی موجود بین کشورهای صنعتی پیشرفته و کشورهای در حال توسعه را مدنظر داشته باشد. " منشور حقوق و وظایف اقتصادی دولت‌ها " که در اجلاس ۱۹۷۴ مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب اکثریت قریب به اتفاق دولت‌ها رسید و حاوی اصول ناظر بر نظام نوین اقتصادی است (۷) بر لزوم اعطای امتیازاتی به کشورهای در حال توسعه در زمینه تجارت بین‌المللی تأکید می‌کند و آنرا در جهت دسترسی به هدف نهائی یعنی توسعه اقتصادی این کشورها از طریق گسترش دادوستد بین‌المللی امری ضروری می‌داند (۸). در چنین شرایطی قطع و برقراری مجدد روابط تجاری نمی‌تواند در حیطه صلاحیت دولت‌های باقی‌مانده و عملاً " توسعه و پیشرفت حقوق بین‌الملل در زمینه اقتصادی در جهت شناسائی " حق تجارت " بنفع یکایک اعضای جامعه بین‌المللی می‌باشد و منشور فوق‌الذکر نیز بر این امر تأکید دارد (۹).

۲- دادوستد بین‌المللی، ضرورتی سیاسی

همانطور که گفته شد، علت اصلی برقراری روابط تجاری بین ملت‌ها، وابستگی آنها به یکدیگر در زمینه اقتصادی است. بدنبال برقراری این روابط، وابستگی درجهت همبستگی تحول می‌یابد و طرفهای مبادله به وضوح احساس می‌کنند که منافع مشترکی بین آنها وجود دارد. اگر این واقعیت را بپذیریم که در هر جامعه بخصوص آنهایی که همچون جامعه بین‌المللی مشخصه‌ای " آنارشیک " دارند یعنی فاقد سازمان و تشکیلات مرکزی منجمله قوه قانونگذاری و قضائی می‌باشند، منافع مشترکی بین اعضا عامل تعیین‌کننده‌ای در تکوین و اجرای مقررات حاکم بر آن جوامع است. برقراری روابط تجاری بین کشورها می‌تواند عامل فوق‌العاده موثری در جهت پیشرفت حقوق بین‌الملل و تضمین آن باشد و عملاً " مشکلات ناشی از فقدان ضمانت اجرا در حقوق بین‌الملل را برطرف کند. منشور سازمان ملل متحد نیز با تأکید بر ضرورت گسترش روابط و همکاری‌های بین‌المللی تلویحاً این نظریه را تأیید کرده است و این عقیده را دربر دارد که یکی از اهداف این سازمان برای ایجاد ثبات جهان، رفاه ملل و تأمین روابط مسالمت‌آمیز و دوستانه بین‌المللی و " حصول همکاری بین‌المللی در حل مسائل بین‌المللی که دارای جنبه‌های اقتصادی... (۱۰) است و بصراحت می‌توان گفت که در منشور به‌کرات از همکاری‌های بین‌المللی بعنوان عاملی بمنظور فراهم نمودن شرایط صلح یاد شده است (۱۱).

در سالهای بعد از آغاز فعالیت سازمان ملل، این فکر به تدریج قوت گرفت. در قاره اروپا برقراری و تقویت وابستگی اقتصادی کشورها در چهارچوب سازمانهای بین‌المللی اقتصادی منجمله "بازار مشترک" همچون اهرمی برای تضمین صلح بکار گرفته شد (۱۲). "اعلامیه اصول حقوق بین‌الملل مربوط به روابط دوستانه و همکاری بین دولت‌ها طبق منشور سازمان ملل متحد" (۱۳) که در اجلاس سال ۱۹۷۰ مجمع عمومی سازمان ملل متحد تصویب شد رابطه مستقیمی بین برقراری و توسعه روابط تجاری و تحکیم صلح بین‌المللی برقرار می‌کند. در اکثر اسناد مربوط به نظام نوین اقتصادی نیز از همکاریهای بین‌المللی در زمینه اقتصادی و تجاری بعنوان بهترین عامل در جهت تعدیل روابط بحرانی موجود بین کشورهای در حال توسعه و کشورهای پیشرفته صنعتی یاد شده است. از این میان، قطعنامه صادره توسط هفتمین مجمع عمومی ویژه سازمان ملل متحد که به نظام نوین اقتصادی اختصاص داده شده و حاوی رهنمودهایی برای فعالیتهای آتی سازمان‌های بین‌المللی مربوط در این زمینه می‌باشد، طبیعتاً "از اهمیت خاصی برخوردار است (۱۴). در این قطعنامه زمینه‌های مختلف همکاری‌های بین‌المللی که در رأس آنها تجارت بین‌المللی قرار گرفته. مشخص شده است، و گسترش روزافزون همکاریهای بین‌المللی بعنوان عامل تعیین‌کننده‌ای در جهت استحکام صلح و امنیت بین‌المللی مورد قبول قرار گرفته است. این اعلامیه نه تنها به منزله تأیید فعالیت‌های قبلی "کنفرانس ملل متحد برای تجارت و توسعه" (اونکتاد) در رابطه با گسترش هرچه بیشتر حجم مبادلات بین‌کشورهائی است که دارای سیستم‌های اقتصادی متفاوت اند و یا از لحاظ توسعه در سطوح مختلفی قرار دارند، بلکه بر اقدامات این رکن فرعی مجمع عمومی سازمان ملل متحد و بررسالت آن صحنه گذاشته است.

اونکتاد چهارم که در سال ۱۹۷۶ در نایروبی و اونکتاد پنجم که در سال ۱۹۷۹ در مانیلا برگزار شد هر دو در جهت گسترش مبادلات مابین شرق و غرب و "شمال و جنوب" اقدام به صدور قطعنامه‌هایی نمودند که در آن از طرف‌های مبادله خواسته شده که باتوسل به تدابیر مختلف، منجمله فراهم نمودن تسهیلات مختلف در زمینه ارزی و با تقلیل تفرقه‌های گمرکی به نفع کالای صادره توسط کشورهای در حال توسعه، مقدمات دسترسی به اهداف مورد نظر را فراهم نمایند (۱۵).

اهمیت تجارت بین‌المللی برای صلح جهانی ایجاب می‌کند که دولت‌ها نه تنها در گسترش آن از طریق حقوق بین‌الملل کوشا باشند، بلکه از اقدامات لازم به منظور جلوگیری از قطع روابط تجاری که می‌تواند صلح را به مخاطره اندازد نیز غافل نباشند.

قسمت دوم اصول حقوق بین الملل عمومی حاکم بر قطع روابط تجاری

نظر به وابستگی روزافزون کشورها در زمینه اقتصادی و اهمیت مبادلات تجاری برای تنظیم کنندگان منشور سازمان ملل متحد تحریم اقتصادی را بعنوان سلاحی برای وادار کردن دولتها به رعایت مقررات این منشور در نظر گرفته و شرایط توسل به آنرا دقیقاً " در فصل هفت منشور مشخص نموده اند. بنا بر این توسل به تحریم اقتصادی فقط از طریق این سازمان مشروع می تواند باشد (۱). و تحریم اقتصادی بطور یکجانبه حتی بصورت جمعی توسط دولت های عضو این سازمان ناقض منشور به نظر می رسد (۲).

۱ - تحریم اقتصادی و منشور سازمان ملل متحد :

بی شک مجازات متخلفان نقش به سزایی در کارائی هر نظام حقوقی، بعهده دارد، یکی از مظاهر پیشرفت نظام حقوقی، وجود مقررات دقیق و جامعی در زمینه ضمانت اجراست. در جامعه بین المللی بعلت برخورداری هریک از اعضای آن از حاکمیت که مانع اصلی ایجاد قدرت مافوق دولتها می باشد، در صورت نقض حقوق بین الملل دولت ها می توانند راساً اقداماتی را به منظور مجازات متخلف انجام دهند. این اقدامات می تواند اعتراض دیپلماتیک، قطع روابط دیپلماتیک یا تجاری و یا لغو یکجانبه قرارداد باشد. همزمان با پیشرفت و توسعه حقوق بین الملل عمومی و در رابطه با سازمان دهی روزافزون جامعه بین المللی، ضرورت انتقال تدریجی صلاحیت توسل به مجازات از دولت ها به سازمانهای بین المللی مشاهده شد. برای اولین بار بعد از پایان جنگ بین المللی اول، در چهارچوب میثاق جامعه ملل موضوع توسل به مجازات اقتصادی منجمله قطع روابط تجاری، و مجازات نظامی علیه دولتی که بدون در نظر گرفتن تعهدات خود ناشی از میثاق صلح رانقض کرده پیش بینی شد. طبق ماده ۱۶ میثاق هریک از اعضای جامعه ملل موظف بودند که بی درنگ روابط خود را با دولت خطاکار قطع کند. توسل به مجازات نظامی برخلاف مجازات اقتصادی علیه دولت خطاکار الزامی نبود. شک نیست که تعهدات دولت ها در چهارچوب میثاق جامعه ملل به معنای سلب صلاحیت در زمینه توسل به مجازات اقتصادی و نظامی نیست و فقط دولت ها را در صورت نقض صلح ملزم به توسل به مجازات اقتصادی علیه دولت خاصی می کند.

همینا باید اذعان کرد که میثاق جامعه ملل اولین گام در جهت تنظیم مقرراتی در زمینه توسل به مجازات در سطح بین‌المللی و محدود کردن آزادی عمل دولتها است .
 قدم دوم که نقش فوق‌العاده موثری در این زمینه دارد . مقرراتی است که در منشور سازمان ملل متحد وضع شده است . طبق فصل هفت منشور ، در صورت تهدید علیه صلح ، نقض صلح و اعمال تجاوز از طرف دولت عضو ، شورای امنیت این سازمان می‌تواند به منظور تضمین صلح متوسل به عملیات اجرائی شود . اقدامات این شورا ممکن است " شامل متوقف ساختن تمام و یا قسمتی از روابط اقتصادی . . ." (۱۶) باشد و در صورتیکه اقدامات اخیر کافی نباشد شورا می‌تواند متوسل به نیروهای مسلح پیش‌بینی شده در منشور شود . در هر دو مورد اقدامات شورای امنیت برای کلیه اعضای سازمان ملل الزام آور خواهد بود . بدین ترتیب برخلاف میثاق جامعه ملل ، منشور سازمان ملل متحد مسئولیت توسل به مجازات اقتصادی و نظامی را به شورای امنیت محول می‌کند . اقدامات دولت‌ها در این زمینه موکول به اتخاذ تصمیم توسط این رکن می‌باشد و هیچگونه عملیات اجرائی و اقدامات قهرآمیز حتی " به موجب قرارداد های منطقه‌ای بدون اجازه شورای امنیت انجام نخواهد گرفت " (۱۷) و بطریق اولی این محدودیت شامل دولتها نیز می‌شود .

محدودیت فوق عملاً " به منزله انتقال صلاحیت توسل به مجازات اقتصادی و تحریم اقتصادی از دولت‌ها به سازمان ملل متحد است و حتی در مواردی که شورای امنیت از تصمیم گرفتن در این باره خودداری کند و یا به عللی منجمله رای منفی یکی از اعضای دائم شورا و یا عدم حصول اکثریت موفق به تصویب قطعنامه نشود دولت‌های عضو این سازمان نخواهند توانست متوسل به تحریم اقتصادی شوند . نظر به اهمیت مجازات اقتصادی و عواقب آن برای صلح جهانی سلب صلاحیت از دولت‌ها در این زمینه به نفع شورای امنیت که مسئولیت برقراری صلح جهانی را به عهده دارد امری طبیعی و منطقی بنظر می‌رسد . تحولات اخیر حقوق بین‌الملل نیز در جهت تأیید نظریه فوق می‌باشد .

۲- تحریم اقتصادی یکجانبه ناقض حقوق بین‌الملل است :

علی‌رغم صراحت فصل هفت منشور ، عده ای بر این عقیده‌اند که سلب صلاحیت دولت‌ها در توسل به تحریم اقتصادی با اصل حاکمیت بخصوص اصل " حاکمیت دولتها بر منابع طبیعی خود " (۱۸) مغایرت دارد . تردیدی نیست که به کرات مصوبات مجمع عمومی

سازمان ملل متحد و دیگر اسناد بین‌المللی اصل "حاکمیت دولت‌ها بر منابع طبیعی خود" مورد تأکید قرار داده و حتی اعلامیه ۱۹۷۴ درباره "حقوق و وظایف اقتصادی، دولتها با اتکا به اصل "آزادی ملل در تعیین سرنوشت خود"، هریک از اعضای جامعه بین‌المللی را در انتخاب طرف مقابل خود در دادوستد بین‌المللی آزاد گذاشته است (۱۹). معهدا نمی‌توان منکر این واقعیت شد که هدف کلیه اسناد و قطعنامه‌هایی که در باره استقرار نظام نوین تدوین شده‌اند، در جهت تحکیم حاکمیت کشورهای در حال توسعه و جلوگیری از پایمال شدن حقوق آنان می‌باشد. عبارت دیگر مسئله مورد نظر بر طرف کردن نابرابری‌های موجود باین کشورهای پیشرفته صنعتی و کشورهای در حال توسعه در زمینه مبادلات بین‌المللی و ایجاد امکانات کم و بیش مشابه برای طرفین می‌باشد و بر این اساس است که کشورهای عضو بازار مشترک اروپا سیستمی معروف به "سیستم تعرفه‌های ترجیحی بازار مشترک" اتخاذ کرده‌اند (۲۰). بدین ترتیب، اصل حاکمیت بر منابع طبیعی دولت‌ها در نهایت در جهت تحکیم و گسترش همکاری‌های بین‌المللی است و نه تنها هیچ نوع تناقضی بین حاکمیت و همکاری وجود ندارد بلکه این دو لازم و ملزوم یکدیگر می‌باشند و برقراری همکاری‌های بین‌المللی در شرایط عادلانه و منصفانه یکی از مظاهر حاکمیت دولت‌ها محسوب می‌شود. "میثاق بین‌المللی مربوط به حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی" (۲۱) مورخ ۱۹۶۶ که اکثر دولت‌ها بدان ملحق شده‌اند و از سال ۱۹۷۶ برای طرفین این میثاق لازم‌الاجرا شده است. هیچ نوع تردیدی را در این باره جایز نمی‌داند. ماده یک پارگراف دوم این میثاق آشعار می‌دارد. "کلیه ملت‌ها می‌توانند برای نیل به هدفهای خود منابع و ثروت‌های طبیعی خود را بدون لطمه به تعهدات ناشی از همکاری اقتصادی بین‌المللی مبتنی بر منافع مشترک و حقوق بین‌الملل آزادانه به مصرف برسانند".

بطور کلی با در نظر گرفتن این واقعیت که تضمین صلح و برقراری رابطه دوستانه و همکاری دولت‌ها از مهمترین اهداف سازمان ملل متحد به‌شمار می‌رود. کلیه اعضا نه تنها در روابط بین‌المللی خود از تهدید به‌زور و یا استعمال آن بایستی خودداری نمایند بلکه از توسل به اقداماتی که همکاری‌های بین‌المللی را متزلزل کند نیز باید بپرهیزند. "اعلامیه اصول حقوق بین‌الملل مربوط به روابط دوستانه و همکاری‌های بین دولت‌ها طبق منشور ملل متحد" نیز بر این نکته تأکید می‌کند و تهدید علیه عوامل سیاسی اقتصادی و فرهنگی دولت‌ها را مغایر با حقوق بین‌الملل می‌داند، و توسل به اقدامات اقتصادی را به‌منظور

دست یافتن به هرنوع مزایا محکوم می‌کند (۲۲). "اعلامیه در باره تردد دخالت در امور داخلی دولت‌ها و حمایت استقلال و حاکمیت آنها" که در اجلاس ۱۹۶۵ مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسید نیز به نوبه خود از این نظریه جانبداری می‌کند (۲۳).
 بدلیل اینکه برخی از اسنادی که در این نوشته در جهت توجیه منع تحریم اقتصادی از طرف دولت‌ها ذکر شده قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل متحد است، قدرت اجرایی آنها مورد شک و تردید عده‌ای از صاحب نظران قرار گرفته است. با وجود این، نمی‌توان منکر این واقعیت شد که قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل متحد بخصوص آنهایی که همچون قطعنامه‌های ذکر شده در این نوشته از پشتیبانی کلیه دولت‌ها و یا اکثریت قریب به اتفاق آنها برخوردار است حقیقت‌های انکارناپذیری در بردارد و خط مشی کلی جامعه بین‌المللی را در زمینه پیشرفت و توسعه حقوق بین‌الملل مشخص می‌سازد (۲۴). رفتار و عملکرد دولت‌ها نیز به نوبه خود عامل فوق‌العاده موثری در جهت محدودتر ساختن صلاحیت دولت‌ها در زمینه توسل به مجازات اقتصادی است. بعضی از دولت‌ها در رابطه با مسائل گروگان‌گیری سفارت آمریکا در تهران و اشغال افغانستان توسط نیروهای اتحاد جماهیر شوروی مخالفت خود را با مجازات اقتصادی که خارج از چهارچوب سازمان ملل متحد تعیین شده صریحاً اعلام نموده‌اند (۲۵).

نتیجه:

در تحلیل نهائی با در نظر گرفتن تحولات اخیر حقوق بین‌الملل که بر پایه ضرورت گسترش هرچه بیشتر همکاری‌های بین‌المللی در کلیه زمینه‌ها بخصوص مبادلات تجاری، در شرایط عادلانه و منصفانه بنا شده، دولت‌ها موظف‌اند که از توسل به هر نوع اقدامی که با همکاری‌های بین‌المللی مغایرت داشته باشد خودداری کنند. ماده ۲ پاراگراف ۴ منشور سازمان ملل متحد نیز بطور ضمنی این ضرورت را مورد تأیید قرار می‌دهد و از کلیه اعضا می‌خواهد که "در روابط بین‌المللی خود از تهدید به زور یا استعمال آن علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر دولتی یا از هر روش دیگری که با مقاصد ملل متحد مبیانت داشته باشد خودداری" نمایند. هیچ تردیدی نیست که همکاری‌های بین‌المللی یکی از مقاصد سازمان ملل متحد است و تحریم اقتصادی بطور جدی همکاری‌های بین‌المللی را تهدید می‌کند و با روح نظام نوین اقتصادی که در سطح بین‌المللی در حال تکوین است مغایرت دارد. جمشید ممتاز

- 1- L.F. SHIHATA, "DESTINATION EMBARGO OF ARAB OIL; ITS LEGALITY UNDER INTERNATIONAL LAW", AMERICAN JOURNAL OF INTERNATIONAL LAW, 1974 pp 591-627
- 2- J.J. PAUST & A.P. BLAUSTEIN, "THE ARAB OIL WEAPON, A THREAT TO INTERNATIONAL PEACE", AMERICAN JOURNAL OF INTERNATIONAL LAW, 1974 pp. 410-439.

۳ - در پارگراف های یک و پنج منشور ها و انا بر ضرورت گسترش مبادلات تجاری تاکید شده است. پارگراف چهارم این منشور به اقداماتی که بایستی در زمینه برطرف کردن موانع موجود در زمینه دادوستد بین المللی وجود دارد منجمله تقلیل متقابل تعرفه های گمرکی توسط طرفهای مبادله اختصاص داده شده است.

۴ - به منظور کسب اطلاعات بیشتری در این زمینه به مقاله های پیرامین تحت عنوان " نظام بازرگانی بین المللی. موافقت نامه های عمومی تعرفه ها و تجارت " روابط بین الملل ویژه نظام های بین المللی نشریه مرکز مطالعات عالی بین المللی شماره یازدهم و دوازدهم سال ۱۳۵۷ و بهار ۱۳۵۸ صفحات ۶۸ - ۳۸ رجوع شود.

۵ - سهم کشورهای در حال توسعه در صادرات جهان از سی و یک درصد در سال ۱۹۵۰ مرتبا " کاهش یافته و به بیست درصد در سال ۱۹۶۳ رسیده است. نقل از مقاله مرتضی پدram نیا تحت عنوان " نقش اونکتاد در تحول نظام بازرگانی بین المللی " روابط بین الملل ویژه نامه یاد شده در پاورقی شماره ۴ ص ۷۱.

۶ - شعار کشورهای در حال توسعه تحت عنوان " "TRADE AND NOT AID" تجارت آری کمک نه " گویای این حقیقت است.

- 7- CHARTER OF ECONOMIC RIGHTS AND DUTIES OF STATES LA
CHARTRE DES DROITS ET DEVOIRS ECONOMIQUES DES ETATS

قطعنامه شماره ۳۲۸۱ مورخ ۱۴ دسامبر ۱۹۷۴ مجمع عمومی سازمان ملل متحد.

۸ - مواد نه، یازده، دوازده، چهارده، بیست و چهار و بیست و نه " منشور حقوق و وظایف اقتصادی دولت ها ".

۹ - ساده چهار منشور فوق الذکر و

RICHARD B LILLICH "ECONOMIC COERCION AND THE NEW
ECONOMIC INTERNATIONAL ORDERS "THE MIHLIC CHARLOTIVILLE
VIRGINIA 1976 401 PAGES

۱۰ - ماده ۱ پارگراف ۳ منشور

۱۱ - فصل نهم منشور به همکاری‌های اقتصادی و اجتماعی بین‌المللی اختصاص داده شده است. در رابطه با مسئله مورد بحث ماده ۵۵ این فصل از اهمیت خاصی برخوردار است.

۱۲ - به روز ۹ مه ۱۹۵۰، روبرت شوین وزیر خارجه وقت فرانسه، طی مصاحبه مطبوعاتی پیشنهاد می‌کند. مجموع تولید ذغال و فولاد فرانسه تحت مسئولیت مرجع عالی سازمانی قرار گیرد که بر کشورهای دیگر اروپا باز باشد. " در روابط دو کشور تولیدکننده اصلی همبستگی تولیدی که بدینسان پیوند خورد و وقوع هر جنگی را بین فرانسه و آلمان، نه تنها تصور ناپذیر، عملاً ناممکن خواهد ساخت. نقل از محمود صوراسرافیل "تحول سازمان‌های اروپایی از جنگ جهانی دوم" قسمت سوم دوره جامعه‌ها (سال ۱۹۵۰ به بعد) روابط بین‌الملل نشریه مرکز مطالعات عالی بین‌المللی شماره ششم بهار ۱۳۵۵ ص ۱۲۴.

13- DECLARATION ON PRINCIPLES OF INTERNATIONAL LAW

CONCERNING FRIENDLY RELATIONS AND CO OPERATION AMONG
THE STATES IN ACCORDANCE WITH THE CHARTER OF THE
UNITED NATION

DECLARATION RELATIVE AUX PRINCIPES DU DROIT INTERNA-
TIONAL TOUCHANT AUX RELATIONS AMICALES ET LA COOPERA-
TION ENTRE LES ETATS CONFORMEMENT A LA CHARTE DES
NATIONS UNIES

قطعه نامه شماره ۲۶۲۵ مورخ ۲۴ اکتبر ۱۹۷۰ مجمع عمومی سازمان ملل متحد.

۱۴ - قطعه نامه هفتمین اجلاس ویژه مجمع عمومی سازمان ملل متحد مورخ ۱۹ دسامبر

A/RES 3362 (SVII) ۱۹۷۵

۱۵ - قطعه نامه شماره ۹۵ اونکتاد چهارم.

۱۶ - ماده ۴۱ منشور سازمان ملل متحد.

۱۷ - ماده ۵۳ منشور سازمان ملل متحد.

۱۸ - مجمع عمومی سازمان ملل متحد با صدور قطعه نامه‌های متعددی اصل "حاکمیت

دولت‌ها بر منابع طبیعی خود" را مورد تأیید قرار داده است که از آن میان قطعه نامه شماره

۱۸۰۳ مورخ ۱۴ دسامبر ۱۹۶۲ از اهمیت خاصی برخوردار است.

"PERMANENT SOVEREINTY OVER NATURAL RESOURCES"

"SOVERAINTÉ PERMANENTE SUR LES RESSOURCES NATURELLES"

- ۱۹ - ماده ۴ منشور " حقوق و وظایف اقتصادی دولت ها " .
 ۲۰ - محمود صوراسرافیل " گامی در جهت نظام نوین اقتصادی . سیستم تعرفه‌های ترجیحی بازار مشترک اروپا " ویژه نامه یاد شده در پاورقی شماره ۴ صفحات ۱۳۵ - ۱۳۳ .

21- PACTE INTERNATIONAL RELATIF AUX DROITS ECONOMIQUES
 SOCIAUX ET CULTURELS

این میثاق از سال ۱۹۷۶ مابین دولت‌های عضو منجمله ایران ، ایالات متحده آمریکا و کلیه کشورهای اروپای غربی لازم الاجرا می‌باشد .

۲۲ - مقدمه قطعنامه ۲۶۲۵ پاورقی شماره ۱۳ .

- 23- DECLARATION ON THE INADMISSIBILITY OF INTERVENTION
 IN THE DOMESTIC AFFAIRS OF STATES AND THE PROTECTION
 OF THEIR INDEPENDENCE AND SOVEREIGNTY
 - DECLARATION SUR L'INADMISSIBILITE DE L'INTERVENTION
 DANS LES AFFAIRES INTERIEURES DES ETATS ET LA PROTEC-
 TION DE LEUR INDEPENDANCE ET DE LEUR SOUVERAINTE

قطعنامه شماره ۲۱۳۱ مورخ ۲۱ دسامبر ۱۹۶۵ مجمع عمومی سازمان ملل متحد .
 ۲۴ - برای کسب اطلاعات بیشتری در زمینه نقش قطعنامه‌های سازمان‌های بین‌المللی و بخصوص سازمان ملل متحد به عنوان منبع حقوق بین‌الملل عمومی به مقاله زیر مراجعه شود .

R.J. DUPUY "DROIT DECLARATOIRE ET DROIT PROGRAMMATOIRE :
 DE LA COUTUME SAUVAGE A LA "SOFT LAW" L'ELABORATION DU
 DROIT INTERNATIONAL PUBLIC

(دوپوی ، " حقوق اعلامی ، حقوق ناظر بر برنامه‌ریزی ، از عرف وحشی تا حقوق بی‌مایه تدوین حقوق بین‌الملل عمومی) .

A. PEDONE 1975 pas - 132 - 148

۲۵ - من باب مثال موضع دولت آرژانتین در قبال تحریم اقتصادی نقل از روزنامه
 مورخ ۱۵ ژانویه ۱۹۸۰ .